

جایگاه عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی

مقدمه

با اعلام پایان جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران و نیز اسفای تافهم نامه انتظار ایستند که کشور بار دیگر به مسیر سازندگی و پیشرفت قرار گیرد. در این صورت، یکی از اساسی‌ترین نیازهای کشور عدالت اجتماعی است که در سال‌های گذشته به خاطر برخی سیاست‌ها دچار خدشه شده است. راهکار اساسی به این زمینه نیز، برگشت به ایده «عدالت» امام خمینی به عنوان معمار جمهوری اسلامی است که در تمام ده سال رهبری خود بر این کشور، بسر آن پای فشرده و با توجه به شرایط کارگسور در آن مقطع، آن را اجرایی کرد.ایشان عدالت را یکی از مهمترین ارزش‌های جوامع بشری در همه اعصار و مکان‌ها می‌داند و تأکید و تکرار ایشان بر مفهوم عدالت و مضامین نزدیک به آن در آثار خود گواه آن است که از یک سو عدالت در نزد امام دارای ارزش زیادی بوده و ازسوی دیگر مواردی همانند ظلم، جور و.. به شدت مورد نفی و طرد واقع شده‌اند. تحقیق در مکتوبات و گفتارهای امام، گویای آن است که تأکیدات مکرر و مستمر ایشان بر مفاهیمی مثل عدل، عدالت، عدالت اجتماعی، توجه به محرومین و مستضعین و کوشش‌باین و فقیران و پابرهنگان و.. از یک سو، و حملات تند و گزنده‌شان علیه ظلم، نابرابری، تبعیض، فساد و.. ازسوی دیگر، دلالت روشنی بر منزلت والای عدالت و عدالت اجتماعی در نزد ایشان دارد.

امام خمینی به اقتضای نگاه چند بعدی خود، تلقی‌های گوناگونی از عدالت دارد و همین برداشت‌ها، نشانه‌ای بر تک ساختی نبودن عدالت و حضور آن در عرصه‌های گوناگون جامعه، از نظر ایشان است. مکتوبات امام این واقعیت را به تصویر می‌کشند که ایشان، مفهوم عدالت را در سه سطح خرد، متوسط و کلان در نظر داشته و بر این امر تأکید کرده‌اند که نقطه شروع عدالت در عرصه انسانی، از خود انسان است. بعد میان افراد دیگر و گروه‌ها و سپس کل جامعه و در نهایت در میان ملل و جوامع مختلف مطرح می‌گردد. امام در خصوص عدالت بر چند قلمرو تأکید بیشتری نموده‌اند، عرصه سیاسی، عرصه قانونی و حقوقی، عرصه اقتصادی و عرصه اجتماعی. به عنوان مثال، در عرصه اقتصادی گاه عدالت به معنای قائل نشدن امتیاز برای قشرهای خاص است و «تأکید بر این امتیازات از یک سو برود و همه مردم علی‌السواء هستند با هم» (صحیفه امام، ج ۶ ص ۴۶۱). یا در عرصه اقتصادی سه لزوم تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلامی به شاخص مهم، یعنی حفظ منافع محرومین، گسترش مشارکت عمومی در ثروت‌های جامعه و مبارزه با زاراندوزی تأکید می‌کند و این نکته را بارها تذکر می‌دهد: «اسلام تبدیل می‌خواهد. نه چلو سرمایه را می‌گیرد و نه می‌گذارد سرمایه

معرفی اجمالی

زنجان شهری است که در دوران خلافت عثمانی فتح و به «زنجان» تغییر نام یافت. به طوری که در کتب اولیه اسلامی نظیر حدود العالم و احسن التقاسیم قید گردیده، شهری آباد و بر نعمت و از جمله شهرهای متفوحه الغرّة (سبززمین‌های که با پیروزی‌های نظامی به دست آمده‌اند). بوده است. در قرن چهارم و پنجم که سال مهاجرت قبایل تُرک‌نژاد به ایران است، به علت چراهادهای وسیع و گسترده مورد توجه قبایل مذکور قرار گرفته و قبایل مختلفی از ترکان در زنجان و نواحی مختلف آن به خصوص در چمن «کنگرلند» که بعدها به «سلطانیّه» معروف شده است، مسکن گزیدند.

دوره تأسیس

نخستین دوره حوزّه علمیه زنجان نیزهزمان با اسکان قبایل ترک در این سامان است. حال آیا در بین مهاجران عالمان بزرگ شیعی بودند تا حوزّه زنجان را به یاد دارند یا خود شهر در این دوره به چنان مرحله علمی رسیده بود، دقیقاً معلوم نیست، در دوره تأسیس حوزّه علمیه زنجان، علمای بزرگی ظهور و بروز یافتند که به برخی از آنان اشاره می‌شود.

۱. نصیر بن هبّالله زنجانی

شیخ آقا‌بزرگ تهرانی در نصیر عالمان قرن پنجم هجری از «نصیر بن هبّالله بن نصر زنجانی» یاد می‌کند که از ادیبان متبحر عصر خویش بوده است. برخی از تصانیف نصیر بن هبّالله زنجانی به قرار زیر می‌باشد.

الف. المقامات الطّیبة
ب. النواحي الحکمیة
ج. الرساله السعدیة
د. الجواهر فی التمام

لازم به ذکر است که در این دوره حکومت شیعی حسن بن قاسم علوی (داعی صغیر) برخی از شهرها چون گیل، دیلم، ری، قزوین، زنجان، قم و ابهر را تحت پوشش داشت و موجب شکوفایی علوم اسلامی در این سامان گشت و حوزّه شیعی زنجان تا قرن هفتم مداوم یافت.

۲. حسین بن محمد زنجانی

عالمی دیگر که آقا‌بزرگ تهرانی از آن یاد می‌کند، «حسین بن محمد زنجانی» مجاور حرمین شریفین است.

۳. ناصر بن نصر زنجانی

«ناصر» فرزند «نصر بن هبّالله بن نصر زنجانی» (علامه طهرانی احتمال دیگری هم در مورد این شخصیت علمی می‌دهد، که شاید او از اکراد حله باشد) از عالمان شیعه قرن ششم زنجان می‌باشند.

۴. ابوالقواء هبّالله بن ناصر

«ابوالقواء هبّالله بن ناصر» از علمای زنجان می‌باشد که از پدرش نقل حدیث می‌کند.

۵. لیث بن سعد اسدی

«شیخ ابوظفر لیث بن سعد بن لیث اسدی»، ساکن زنجان از دیگر عالمان حوزّه علمیه زنجان است که شیخ منتجب‌الدین در الفهرست خود از وی به عنوان فقیه، صالح، ناظم و نایر یاد می‌کند.

کتاب‌های شیخ ابوظفر لیث اسدی عبارتند از

۱. کتاب الطهارة: ۲. الايمان: ۳. الامالی فی مناقب اهل البیت (علیه‌السلام)
۴. روایات الاشیع (اشج. ابودنیا معمر، ابوعمر و عثمان و یا علی بن عثمان بن خطاب بلوی مغربی متوفی سال ۳۲۷ق. است). ۶

آن طور بنود که یکی صدها میلیارد دلار داشته

باشد... و یکی شبش برود پیش بچه‌هایش نان نداشتنه باشد (همان، ج۸، ص ۴۷۰). در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند.» (همان، ج۶ ص ۵۲۵).

امام در مواردی هم از عدالت فردی و اجتماعی صحبت کرده‌اند: «همه زحمت انبیا برای این بود که یک عدالت اجتماعی درست بکنند برای بشر در اجتماع، و یک عدالت باطنی درست کنند برای انسان در انفراد.» (همان، ج ۱۱، ص ۳۸۶).
مهمترین مقلوه‌ای که در چهارچوب عدالت اجتماعی و در ذیل قلمرو اقتصادی مورد توجه فراوان امام بود، توزیع عادلانه ثروت و درآمد و کاهش (و حتی حذف)

*یکی از اساسی ترین نیازهای

امروز کشور عدالت اجتماعی

است که در سال‌های گذشته

به خاطر برخی سیاست‌ها دچار

خدشه شده است

شکاف میان فقیر و غنی می‌باشد. مؤلفه دیگری که امام در ذیل عدالت اجتماعی به آن عنایت و توجه ویژه‌ای داشتند، برخورداری همه افراد جامعه از آموزش و پرورش و دسترسی برابر همه ملت به فرصت‌های آموزشی می‌باشد. (صحیفه

امام، ج ۱۱، ص ۴۴۶). هرچند امام خمینی در آثار و بیانات خود به ارائه مفهوم خاصی از عدالت اجتماعی یا بعد اجتماعی آن نپرداخته‌اند، ولی تکرش و توجهی که به مسأله قسط و عدالت در جامعه و نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی آن داشته‌اند، بیانگر این امر است که عدالت را نه صرفا ملکه یا فضیلتی فردی، بلکه خصلت و خالتی اجتماعی می‌دانند. در این تکرش، عدالت و خصلت و ویژگی قوانین سیاسی و اجتماعی و نیز ویژگی گروه‌ها و نهادهای جامعه و سیاسی و مهمتر از آن، خصلت و ویژگی جامعه انسانی است. به عنوان مثال، ایشان یکی از مهمترین

و شاید ویژگی اصلی حکومت جمهوری اسلامی را تحقق عدالت می‌دانند و می‌فرمایند: «در جمهوری اسلامی زور گویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست... در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد، مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند... عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند.» (صحیفه امام، ج۶ ص ۵۲۵). همچنین از دیدگاه امام خمینی، وضع احکام دین و کلیت دانش فقه و موضوع آن در جهت تحقق عدالت است. زیرا احکام همگی اموری ایزاری و وسیله تحقق عدالت در جامعه‌اند: «احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام شأنی از شئون

شهاب‌الدین سهروردی.

در این دوره حوزّه اهل سنت زنجان نیز مفارخی چون «شیخ شهاب‌الدین سهروردی» (۵۳۹–۶۲۲ق) مؤلف «عوارف المعارف» را در خود پرورید. وی که از فقهایی شافعی‌مذهب و عارفان عصر خویش محسوب می‌شود، یکی از اندکی شیخ اجل سعدی شیرازی می‌باشد.

دوره رکود

این دوره که از قرن هفتم تا دوازدهم را شامل است دوره رکود حوزّه علمیه زنجان است. قتل و غارت مغول به فجیع‌ترین وضعی که خاص خودشان بود، از عوامل عمده این رکود علمی است.

دوره شکوفایی

این دوره که از قرن دوازدهم تا قرن پانزدهم را شامل است، عصر شکوفایی مجدد این حوزّه شیعی تلقی می‌گردد. در این دوره فقهایی بزرگی یا به عرصه حیات می‌گازند و حوزّه علمیه زنجان علاوه بر تربیت طلاب شهر به پرورش دانشجوین علوم دینی که از آذربایجان و قفقاز به این حوزّه مهاجرت کرده‌اند همت می‌گارند. و

*نخستین دوره حوزّه علمیه زنجان

قرن چهارم و پنجم قمری، همزمان با

اسکان قبایل ترک در این سامان است

تعداد قابل توجهی مدرسه علمیه تأسیس می‌گردد، برخی از سمدارس این دوره عبارتند از:
۱. مدرسه میرزای ۲. مدرسه خانم
۳. مدرسه آخوند (چهل ستون)
۴. مدرسه سید فتح‌الله
۵. مدرسه ملا ۶ مدرسه حسینیه
۷. مدرسه میرزای پایین
۸ مدرسه سید
۹. مدرسه اسحاق میرزا
۱۰. مدرسه نصرالله‌خان (پس از پیروزی انقلاب مدرسه نصرالله‌خان بازسازی شد و به مدرسه امام صادق (علیه‌السلام) نامیده شد)

علمای قرن دوازدهم

محدثقی پسر حیدرعلی زنجانی که از شاگردان

خلیل قزوینی است از عالمان قرن دوازدهم این دوره

است. چنان که محمد سلیم، محسن زنجانی و علی

زنجانی از دیگر مفاخر این عصر است.

علمای قرن سیزدهم

بعضی از عالمان قرن سیزدهم هجری حوزّه زنجان

نیز به قرار زیر می‌باشند.

۱. مولی دوست‌محمد زنجانی (متوفی بعد از

۱۲۲۵ق)

۲. سیدمحمدصادق زنجانی (متوفی بعد از ۱۲۷۴ق)

۳. سیدعلی زنجانی (متوفی حدود ۱۲۹۰ق)

۴. سید اسدالله آخوند علی‌اکبر زنجانی

(۱۲۵۴-۱۲۸۲ق)

۵. شیخ محمدباقر زنجانی (متوفی (۱۳۳۱ق)

۶ میرزا محمدباقر زنجانی (متوفی ۱۳۳۲ق)

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)

۹. شیخ اسدالله فرزند نظرعلى زنجانی (متوفی

۱۳۲۰ق) مؤلف «فاتات القرآن».

۱۰. شیخ باقر زنجانی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ق) مؤلف

کتاب‌های مختلف فقهی و اصولی چون «تتبیح القواعد

والّه وسلّم» و...

۶ سیدمیرزا ابوالکاکرم زنجانی (۱۳۳۰-۱۲۵۵ق)

مؤلف رسائل فقهی و تاریخی چون «رساله فی حرمة

الخمر».

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)

۹. شیخ اسدالله فرزند نظرعلى زنجانی (متوفی

۱۳۲۰ق) مؤلف «فاتات القرآن».

۱۰. شیخ باقر زنجانی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ق) مؤلف

کتاب‌های مختلف فقهی و اصولی چون «تتبیح القواعد

والّه وسلّم» و...

۶ سیدمیرزا ابوالکاکرم زنجانی (۱۳۳۰-۱۲۵۵ق)

مؤلف رسائل فقهی و تاریخی چون «رساله فی حرمة

الخمر».

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)

۹. شیخ اسدالله فرزند نظرعلى زنجانی (متوفی

۱۳۲۰ق) مؤلف «فاتات القرآن».

۱۰. شیخ باقر زنجانی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ق) مؤلف

کتاب‌های مختلف فقهی و اصولی چون «تتبیح القواعد

والّه وسلّم» و...

۶ سیدمیرزا ابوالکاکرم زنجانی (۱۳۳۰-۱۲۵۵ق)

مؤلف رسائل فقهی و تاریخی چون «رساله فی حرمة

الخمر».

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)

۹. شیخ اسدالله فرزند نظرعلى زنجانی (متوفی

۱۳۲۰ق) مؤلف «فاتات القرآن».

۱۰. شیخ باقر زنجانی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ق) مؤلف

کتاب‌های مختلف فقهی و اصولی چون «تتبیح القواعد

والّه وسلّم» و...

۶ سیدمیرزا ابوالکاکرم زنجانی (۱۳۳۰-۱۲۵۵ق)

مؤلف رسائل فقهی و تاریخی چون «رساله فی حرمة

الخمر».

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)

۹. شیخ اسدالله فرزند نظرعلى زنجانی (متوفی

۱۳۲۰ق) مؤلف «فاتات القرآن».

۱۰. شیخ باقر زنجانی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ق) مؤلف

کتاب‌های مختلف فقهی و اصولی چون «تتبیح القواعد

والّه وسلّم» و...

۶ سیدمیرزا ابوالکاکرم زنجانی (۱۳۳۰-۱۲۵۵ق)

مؤلف رسائل فقهی و تاریخی چون «رساله فی حرمة

الخمر».

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)

۹. شیخ اسدالله فرزند نظرعلى زنجانی (متوفی

۱۳۲۰ق) مؤلف «فاتات القرآن».

۱۰. شیخ باقر زنجانی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ق) مؤلف

کتاب‌های مختلف فقهی و اصولی چون «تتبیح القواعد

والّه وسلّم» و...

۶ سیدمیرزا ابوالکاکرم زنجانی (۱۳۳۰-۱۲۵۵ق)

مؤلف رسائل فقهی و تاریخی چون «رساله فی حرمة

الخمر».

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)

۹. شیخ اسدالله فرزند نظرعلى زنجانی (متوفی

۱۳۲۰ق) مؤلف «فاتات القرآن».

۱۰. شیخ باقر زنجانی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ق) مؤلف

کتاب‌های مختلف فقهی و اصولی چون «تتبیح القواعد

والّه وسلّم» و...

۶ سیدمیرزا ابوالکاکرم زنجانی (۱۳۳۰-۱۲۵۵ق)

مؤلف رسائل فقهی و تاریخی چون «رساله فی حرمة

الخمر».

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)

۹. شیخ اسدالله فرزند نظرعلى زنجانی (متوفی

۱۳۲۰ق) مؤلف «فاتات القرآن».

۱۰. شیخ باقر زنجانی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ق) مؤلف

کتاب‌های مختلف فقهی و اصولی چون «تتبیح القواعد

والّه وسلّم» و...

۶ سیدمیرزا ابوالکاکرم زنجانی (۱۳۳۰-۱۲۵۵ق)

مؤلف رسائل فقهی و تاریخی چون «رساله فی حرمة

الخمر».

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)

۹. شیخ اسدالله فرزند نظرعلى زنجانی (متوفی

۱۳۲۰ق) مؤلف «فاتات القرآن».

۱۰. شیخ باقر زنجانی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ق) مؤلف

کتاب‌های مختلف فقهی و اصولی چون «تتبیح القواعد

والّه وسلّم» و...

۶ سیدمیرزا ابوالکاکرم زنجانی (۱۳۳۰-۱۲۵۵ق)

مؤلف رسائل فقهی و تاریخی چون «رساله فی حرمة

الخمر».

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)

۹. شیخ اسدالله فرزند نظرعلى زنجانی (متوفی

۱۳۲۰ق) مؤلف «فاتات القرآن».

۱۰. شیخ باقر زنجانی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ق) مؤلف

کتاب‌های مختلف فقهی و اصولی چون «تتبیح القواعد

والّه وسلّم» و...

۶ سیدمیرزا ابوالکاکرم زنجانی (۱۳۳۰-۱۲۵۵ق)

مؤلف رسائل فقهی و تاریخی چون «رساله فی حرمة

الخمر».

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)

۹. شیخ اسدالله فرزند نظرعلى زنجانی (متوفی

۱۳۲۰ق) مؤلف «فاتات القرآن».

۱۰. شیخ باقر زنجانی (۱۳۹۴-۱۳۱۲ق) مؤلف

کتاب‌های مختلف فقهی و اصولی چون «تتبیح القواعد

والّه وسلّم» و...

۶ سیدمیرزا ابوالکاکرم زنجانی (۱۳۳۰-۱۲۵۵ق)

مؤلف رسائل فقهی و تاریخی چون «رساله فی حرمة

الخمر».

۷. سیداحمد زنجانی (۱۲۹۳-۱۳۰۸ق)

۸. شیخ اسدالله فرزند محمدجعفر زنجانی (متوفی

۱۳۷۱ق)